

نکته



مسئله جمعیت در هند

برای بسیاری از ما، اولین تصویر از هند قطارهایی است که جمعیت در آن‌ها از سروکول هم بالا می‌روند و خیابان‌هایی که مردم در آن می‌لولند و غذای کثیف خیابانی می‌خورند. این تصویر در کنار زرق‌وبرق سینمای این کشور، نمایی بسیار گیج‌کننده از پرجمعیت‌ترین کشور جهان پیش روی ما می‌گذارد. امروز، در سال ۲۰۲۴ هند بالغ بر ۱٫۵ میلیارد جمعیت دارد که ۱٫۱ میلیارد نفر آن در سن کار کردن هستند. شاخص‌های تحصیلی در هند در سال‌های اخیر بهبود پیدا کرده اما همچنان تبعیض‌های جنسیتی و اقلیتی پررنگ است. به‌عنوان مثال، مسلمانان هندی گرچه بزرگ‌ترین اقلیت این کشور هستند اما وضعیت خوبی ندارند. زنان محروم از تحصیل زیاد هستند و طبقات فرودست هند در خیابان می‌خوابند و چیزی حدود ۳۰ درصد مردم سوءتغذیه دارند. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که هند به‌طور کلی کشوری فقیر است. هرچند بسیاری از فعالیت‌های حوزه فناوری اطلاعات، در کشور هند انجام می‌شود چون هندی‌ها نیروی کار ارزان هستند، انگلیسی می‌دانند و در زمینه فناوری اطلاعات باهوش هستند. با این مقدمه می‌توان نتیجه گرفت که همه‌چیز در هند گیج‌کننده است و می‌توان آن را کشور تضادها نامید. سؤال مهم این است که بیش از یک میلیارد نیروی کار برای هند یک فرصت است یا یک تهدید؟ هند می‌خواهد با این جوانان چه کند؟ آیا آن‌ها را رها می‌کند تا پیر شوند و تبدیل به مشکلی پیچیده برای کشور شوند؟

طبق داده‌های رسمی، سطح بیکاری رسمی هند در سال‌های ۲۰۱۷ تا ۲۰۱۸ به بالاترین میزان در طول ۴۵ سال گذشته یعنی ۱۶٫۱ درصد رسید. البته این نرخ در بازه زمانی ۲۰۲۱ تا ۲۰۲۲ به ۱٫۴ درصد کاهش یافته است. با این حال مطالعات غیررسمی نشان می‌دهد که تعداد بیکاران در هند به مراتب بیشتر از آن چیزی است که اعلام می‌شود، به‌طوری که برخی آمارها نشان می‌دهد نرخ بیکاری تنها در ماه مارس ۲۰۲۳ به ۸٫۷ درصد رسیده است. این در حالی است که سالانه پنج میلیون هندی وارد بازار کار این کشور می‌شوند که باید برای آن‌ها شغل ایجاد کرد ولی برنامه‌های دولت اصلاً برای این حجم از جمعیت پاسخگو نیست. وقتی بدانیم نرخ سرمایه‌گذاری خارجی در هند هرروز کمتر می‌شود، می‌توانیم به این نتیجه برسیم که بحران‌های بیکاری از بزرگ‌ترین مشکلات جمعیتی این کشور است. کشورهایی مثل سنگاپور و اندونزی، در حال بلعیدن فرصت‌های سرمایه‌گذاری هند هستند.

رادیکا کاپور، استاد مدعو در اندیشکده شورای تحقیقات هند، به جمعیت جوان هند امیدوار است. او می‌گوید: «از آنجا که شرکت‌ها به‌دنبال تنوع بخشیدن به کسب‌وکارها و سرمایه‌گذاری‌های خود فراتر از چین هستند، هند در موقعیت خوبی برای استفاده از این مزیت قرار دارد.» استدلال او این است که چون جمعیت چین دارد به سرعت پیر می‌شود، جمعیت جوان هند می‌تواند جایگزین خوبی برای بازارهای جهانی در زمینه تولید و خدمات باشد.

الته این فقط یک پنجه است، یک فرصت کوتاه. چون جمعیت هند هم در دهه‌های آینده به سمت پیری می‌رود. برای همین است که می‌گوییم هند کشور تضادهاست. این کشور چند دهه فرصت دارد از مزیت جمعیت جوان برای اثروتمند شدن استفاده کند و برای اینکه درگیر مشکلات پیری جمعیت نشود، باید از همین حالا برای آن برنامه داشته باشد و سیاست‌های کنترل جمعیت خود را هوشمندانه انتخاب کند.



جهان پیر است

نگاهی به مشوق‌های فرزندآوری در برخی کشورهای دنیا



مواجه هستند و نمی‌توانند هزینه‌های کودکان متولد شده را تأمین کنند.

آسیا

شرق آسیا هم در این مورد وضع بهتری ندارد. تشکیل خانواده و فرزندآوری امروز اولویت بسیاری از جوانان در چین، ژاپن و کره جنوبی نیست. کره جنوبی با پایین‌ترین نرخ زادوولد در جهان، با یک فاجعه جمعیتی و اقتصادی روبه‌رو است. برای همین در کره جنوبی از سال ۲۰۲۲ مادران پس از تولد فرزند، دو میلیون وون (۱۵۱ دلار) پول نقد دریافت کرده‌اند که بیشتر از کشورهای اروپایی از جمله فرانسه است. خانواده‌ها ماهیانه ۷۰۰ هزار وون (۵۲۸ دلار) برای نوزادان تا یک‌سال و ۲۵۰ هزار وون (۲۶۴ دلار) برای نوزادان زیر دو سال دریافت می‌کنند که این رقم هر سال در حال افزایش است. ژاپن یکی از پیرترین کشورهای جهان محسوب می‌شود. در این کشور، قانونی به نام «کودوموتیت» وضع شد که طبق آن، به خانواده‌ها تا رسیدن فرزند به سن ۱۵ سالگی، ماهیانه حقوقی تا ۱۳ هزار ین (حدود ۹۳ دلار) پرداخت می‌کنند. همچنین پدر و مادر هرکدام می‌توانند با دریافت

نصف حقوق خود تا سقف تعیین شده به مرخصی بروند و بعد از آن بدون هیچ نگرانی به کار قبلی خود بازگردند.

اروپا

در سوئد نرخ فرزندآوری نسبت به دیگر کشورهای اروپایی بالاتر است. سیاست‌های حمایت از خانواده مثل افزایش مرخصی زایمان، بیمه مرخصی زایمان و خدمات نگهداری از کودکان زنان را تشویق به فرزندآوری می‌کند. سیاست‌های حمایت از خانواده در این کشور بر این اصل استوار است که فرزندآوری مغایرتی با کار زنان ندارد و آن‌ها همیشه می‌توانند به سر کار خود برگردند. اما مثلاً در انگلستان، افزایش ساعات کار و بی‌توجهی به مرخصی زایمان باعث شده سیاست‌های جمعیتی موفق نباشند. در نروژ والدین ۴۷ هفته مرخصی زایمان دریافت می‌کنند و می‌توانند مشاغل پاره‌وقت داشته باشند. فرزندان یک تا پنج سال مشمول دریافت یارانه مراقبت‌های دولتی می‌شوند. دانمارکی‌ها ۵۲ هفته مرخصی زایمان دارند و فنلاندی‌ها وام بارداری می‌گیرند. یکی دیگر از مشوق‌های فرزندآوری در بسیاری از کشورهای اروپایی، استفاده رایگان یا یارانه‌ای از مهد کودک‌های دولتی است. در

نگاهی به تغییر سیاست‌های فرزندآوری در کشور چین

افسانه یک میلیاردی!



ثابت و واضح بود: بچه فقط یکی!

اما اگر زوجی دوباره بچه‌دار شوند چه؟ دولت مجازات‌های نقدی سنگینی برای آن‌ها در نظر می‌گرفت تا کسی هوس نکند عاثله‌اش را زیاد کند. در این مورد هم با کسی شوخی نداشت. گرچه سال ۲۰۰۸ چین اعلام کرد که بیش از ۷۰ درصد مردم کشورش موافق سیاست تک‌فرزندی هستند ولی این سیاست منتقدان خود را هم داشت مثلاً کسانی که آن را مغایر حق انتخاب و آزادی فردی می‌دانستند.

تحقیقات نشان می‌دهد که این سیاست، تا حد زیادی تعادل جنسیتی این کشور را بر هم زده است. امروز در چین تعداد نوزاد‌های متولد شده پسر به دختر ۱۱۸ به ۱۰۰ است و این یعنی یک فاجعه جمعیتی. دلیل این موضوع هم حتماً برای شما واضح است. بسیاری از زوج‌ها (به‌خصوص در روستا) ترجیح می‌دهند تنها فرزندِی که می‌توانند داشته باشند پسر باشد. به همین دلیل اگر فرزندشان دختر باشد به سراغ سقط جنین می‌روند. بسیاری از مردم چین در آغاز سیاست تک‌فرزندِی فقیر بودند اما آمار‌ها و شواهد نشان می‌دهند که امروز چینی‌ها به لطف پیشرفت اقتصادی کشورشان ثروتمندتر شده‌اند. از سوی دیگر، چین نیز مانند هر کشور دیگری که سیاست

کشور روسیه، خانواده‌هایی که صاحب فرزند می‌شوند هدایایی از دولت می‌گیرند. فرانسه هم برای تشویق فرزندآوری و مقابله با پیری جمعیت خود تمهیداتی اندیشیده و معادل پنج درصد تولید ناخالص ملی خود را به برنامه‌های تشویقی برای خانواده‌ها اختصاص داده است. کشور آلمان در این زمینه خلاق تر است و تلاش کرده کمک کند از زنانی که می‌خواهند در خانه به مراقبت از فرزندانشان بپردازند حمایت کند؛ مثلاً به آن‌ها حقوق بدهد، یا اینکه پیشنهاد برخی سیاست‌مداران آلمانی این است که پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها را برای نگهداری از نوه‌ها تشویق کنند و به آن‌ها مرخصی با حقوق و مزایای این چنینی بدهند تا کودکان در محیط خانه رشد کنند. جمعیت کشور کانادا در ۵۰ سال گذشته دوبرابر شده است اما بیشتر افزایش جمعیت این کشور مربوط به مهاجران است. دولت کانادا علاوه بر پذیرش مهاجر، برنامه‌هایی برای تولد فرزند دوم و سوم در خانواده دارد و آن را تشویق می‌کند.

آمریکا

در آمریکای شمالی نیز، امروز نسبت مادران به کل جمعیت به کمترین میزان خود رسیده است. هرروز زنان کمتری تمایل دارند که مادر شوند اما دولت تسهیلاتی برای آن‌ها در نظر می‌گیرد. مثلاً با توجه به اینکه هزینه بیمه و درمان در ایالات متحده بالاست، دولت در مواردی هزینه‌های زایمان را برای زنان رایگان کرده است. همچنین برای تشویق به افزایش تعداد کودکان هر زن، تلاش می‌کند آن‌ها را تشویق کند که زایمان طبیعی انجام دهند تا بتوانند بچه‌های بیش‌تری به دنیا بیاورند. همچنین خانواده‌های کم‌درآمد اغلب تحت پوشش برنامه‌های غذایی رایگان و یارانه‌هایی از این دست هستند. به نظر می‌رسد کاهش تمایل مردم جهان به فرزندآوری، یک بحران جهانی است. بحرانی که کشورهای مختلف با آن دست‌وپنجه نرم می‌کنند. در کشور ما نیز در یک دهه گذشته این مشکل پررنگ‌تر از پیش شده و برنامه‌های فراوانی برای تشویق زوج‌ها به فرزندآوری انجام شده است. برخی از این برنامه‌ها در سراسر جهان کوتاه‌مدت و برخی بلندمدت هستند و باید برای به ثمر نشستن آن‌ها گاهی تا یکی دو نسل صبر کرد.

نظر مهم است که نسل جوان (یا نسل Z) در چین امروز به دلیل مسئله‌ها و نگرش‌های خود دیگر تمایل زیادی به فرزندآوری ندارند. از همین منظر دولت چین، امروز به فکر تشویق مردم به ازدواج و فرزندآوری افتاده است. چین، دومین اقتصاد بزرگ جهان و یکی از وسیع‌ترین کشورهای دنیا، برای تداوم سیطره خود در دنیای پیچیده تکنولوژی و اقتصاد نیاز به تولد نسلی تازه دارد که بتوانند چرخ‌های صنعت این کشور را بچرخانند. شیوجیان پنگ، محقق ارشد مرکز مطالعات سیاست در دانشگاه ویکتوریا در استرالیا معتقد است: «نمی‌توان روند کاهشی جمعیت را تغییر داد اما بدون سیاست‌های تشویقی باروری، نرخ فرزندآوری حتی بیشتر هم کاهش خواهد یافت.» این یعنی کم شدن نرخ فرزندآوری را نمی‌توان از بین برد فقط می‌توان سرعت آن را کم کرد. شاید برای همین است که همین حالا در برخی از استان‌های چین، به این سمت حرکت شده که یارانه‌های دولتی را فقط به خانواده‌هایی با دو یا سه فرزند اختصاص دهند. هرچند این هم به نظر خیلی‌ها کافی نیست و باید حتی محدودیت سه فرزند هم برداشته شود که مردم بتوانند آزادانه درباره خانواده خود تصمیم بگیرند.

چین همچنین نیاز به یک تحول بنیادین در نظام تأمین اجتماعی و قوانین کار خود دارد. مثلاً رسیدگی به مسائل مربوط به تبعیض جنسیتی در زمینه حقوق و دستمزد و افزایش مرخصی زایمان و خدمات عمومی به زنان باردار می‌تواند فرایند فرزندآوری را برای زنان شاغل چینی تسهیل کند؛ زیرا هزینه بزرگ کردن بچه در چین امروز بیشتر از درآمد بسیاری از زوجین است. جمعیت چین به سرعت در حال پیر شدن است. کارشناسان می‌گویند تا سال ۲۰۴۰، نزدیک به یک سوم مردم آن بیش از ۶۰ سال خواهند داشت و نیازمند خدمات اجتماعی سالمندان هستند. با توجه به اینکه ظاهراً بسیاری از تک‌فرزندهای چینی دیگر تصویری از خانواده‌های شلوغ و پرجمعیت ندارند، به نظر می‌رسد اصلاح جمعیت این کشور بیش از آنکه از راه اقتصاد بگذرد، از شاهراه فرهنگ

می‌گذرد؛ چرا که جمعیت چینی‌های مهاجر در سراسر جهان، معمولاً فرزندان بیشتری به دنیا آورده‌اند اما در داخل کشور، سال‌ها کنترل جمعیت، مردم را به این وضعیت عادت داده است. برای تغییر این نگرش، چین بیشتر از ارائه بسته‌های تشویقی، نیاز به اقناع افکار عمومی برای تشکیل خانواده‌های شادتر و شلوغ‌تر دارد.

گزارش

از هفتاد سال پیش تا به امروز، نرخ باروری در جهان روندی نزولی به خود گرفته و در مجموع ۵۰ درصد کاهش یافته است.

کارشناسان از تعبیر «سیاهچاله جمعیتی» برای این بحران بزرگ استفاده می‌کنند. کاهش نرخ باروری در درازمدت منجر به کاهش نیروی کار می‌شود. کشورهای اروپایی امروز بیش از هر زمانی این مشکل را حس می‌کنند؛ مشکلی که با مهاجرپذیری هم درمان نمی‌شود.

از طرفی جمعیت سالمند هر کشور، نیروهایی هستند که نیاز به مراقبت و هزینه درمان و نگهداری دارند و نیروی کار جوان باید از طریق پرداخت مالیات و تولید اقتصادی خود هزینه‌های آن را تأمین کنند. امروز در بسیاری از محصولات سینمای غرب، شاهد تصاویری از خانواده‌های پرجمعیت هستیم که مخاطب را تشویق به تشکیل خانواده می‌کنند. البته این فقط ظاهر ماجراست. آیا اروپایی‌ها و آمریکایی‌ها، به خانواده‌های پرجمعیت علاقه دارند؟ حقیقت این است که نه. در سراسر کشورهای پیشرفته، دولت‌ها با بحران کاهش جمعیت و سالمندی مواجه هستند و برنامه‌هایی برای بهبود وضعیت خود دارند. برخی کشورها، با جذب مهاجر و بعضی با تشویق به فرزندآوری در میان جمعیت بومی، سعی می‌کنند خلأ جمعیتی خود را پر کنند. به هر حال، پیری جمعیت، امروز یکی از بزرگ‌ترین مشکلات اجتماعی در اروپا، به‌خصوص اروپای غربی و اسکانندیناوی است. از همین رو نگاهی به مسئله جمعیت در گرداگرد جهان خالی از لطف نیست.

آفریقا

اگر نرخ باروری کشورها را به‌عنوان شاخص جمعیتی در نظر بگیریم، از میان ۳۰ کشور برتر، ۲۹ تا در آفریقا هستند. برای همین است که تا هفتاد سال آینده، جمعیت ۱٫۴ میلیاردی آفریقا ۲٫۵ میلیارد نفر می‌شود. فقط در یک مثال، دولت مصر به زنان دارای دو فرزند یا کمتر، پول نقد به‌عنوان تشویق می‌دهد. در سایر کشورهای آفریقایی هم هنوز بسیاری از دولت‌ها با بحران‌های افزایش جمعیت

گزارش

چین در سال‌های اخیر تصمیم گرفته است قوانین سختگیرانه خود درباره محدود کردن تعداد فرزندان هر خانواده را لغو کند. اما آیا این تصمیم می‌تواند این کشور را از پیری نجات دهد؟

بهار سال ۱۴۰۲ بود که خبری منتشر شد. خبر این بود که چین دیگر پرجمعیت‌ترین کشور جهان نیست و حالا هندوستان با جمعیتی نزدیک به ۱٫۵ میلیارد نفر، پرجمعیت‌تر از چین است.

سال‌های سال افسانه چین یک میلیادی که با اتکا به نیروی کار خود توانست راه خود را تا تبدیل شدن به یکی از بزرگ‌ترین اقتصادهای جهان باز کند و در مواردی با غول‌های بزرگ اقتصادی در آمریکا شانه به شانه شود، دهان به دهان بین مردم می‌چرخید. در واقع، چین قبل از آنکه یک قدرت اقتصادی بزرگ باشد، کشوری پرجمعیت بود. از عظمت دیوار چین و هیبت اژدهای چینی تا غرق شدن بازارهای جهان با اجناس نه‌چندان باکیفیت چینی، راه طولانی‌ای طی نشده است. از نخستین سال‌های هزاره سوم، دیگر همه‌جا نام چین به هر بهانه‌ای شنیده می‌شود؛ بیشتر از همه در اقتصاد. اما چین یک میلیادری (که حالا ۱٫۴ میلیارد نفر جمعیت دارد) بطور جای پای خودش را در مناسبات اقتصادی و سیاسی جهان محکم کرد؟ باید گفت این کشور تا حدی موفقیت خود را مرهون مدیریت منابع و سرمایه‌های انسانی خود است. سیاست‌های چین هم مثل سایر کشورهای جهان در طی سالیان برحسب نیازهای اجتماعی تغییر کرده است.

بچه؟ فقط یکی!

سیاست تنظیم خانواده (یا همان سیاست تک‌فرزندِی معروف چینی) برنامه کنترل جمعیت در چین بود که از سال ۱۹۷۹ آغاز شد و تا سال ۲۰۱۵ ادامه داشت. کارشناسان می‌گویند از ابتدای اعمال این سیاست تا کنون از تولد حدود ۴۰۰ میلیون نوزاد جلوگیری شده است. این سیاست به بسیاری از چینی‌ها تنها اجازه داشتن یک فرزند را می‌داد ولی در برخی موارد به اقلیت‌های قومی و تعدادی از ساکنان روستایی اجازه داشتن دو فرزند هم داده می‌شد. گاهی داشتن فرزند معلول این مجوز را می‌داد که یک زوج اقدام به بارداری مجدد کنند اما سیاست دولت در طول این ۳۵ سال برای بیش از ۹۰ درصد مردم چین